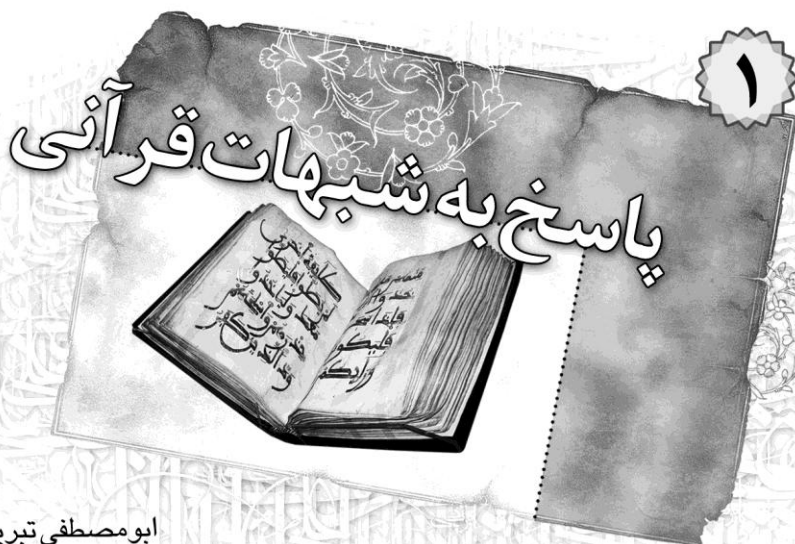




ابومصطفی تبریزی

کریم از مردم می خواهد:
[فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ]^۱ «اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید!» همچنین پرسیدن باید برای فهمیدن باشد، نه مقاصد دیگر، که در این صورت انسان بهره کافی از پاسخ نخواهد برد.

روزی امیرالمؤمنین علی % در مسجد کوفه بود، مردی از اهالی شام برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! من چند سؤال از تو دارم. حضرت فرمود: **«سَلْ تَفْقَهًا وَلَا تَسْأَلْ تَعَنَّا»**^۲ بپرس؛ اما برای فهمیدن، نه برای به سختی و دشواری انداختن (پاسخگو).» مولای متقیان تأکید

انسان همواره برای رسیدن به کمال و کشف مجهولات خویش به دنبال دانشی جدید است. یکی از شیوه های قرآنی برای رسیدن به پاسخ مجهولات، پرسشگری و حس کنجک اوی است؛ چراکه همیشه سؤال کلید گنجینه علوم و دانشهای بشری بوده، انسان طبق فطرت خود برای رسیدن به کمال و هدف مطلوب به سؤال نیاز دارد. کسانی که کم تر سؤال می کنند، سهم کمتری از این گنجینه ارزشمند بشری دارند. و اساساً سؤال کردن و پاسخ شنیدن حق هر انسانی است و کسی را نمیتوان از این حق منطقی و فطری محروم کرد.

البته انسان باید پرسشهای خود را از کسی بپرسد که در آن موضوع تخصص و اطلاعات کافی داشته باشد و بتواند

۱. نحل / ۴۳؛ انبیاء / ۷.
 ۲. نهج البلاغه، سید محمد رضی، در یک جلد، مؤسسه نهج البلاغه، قم، ایران، اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۷۲.

گنجینه هاست و کلید آن پرسش است. پرسید تا خدا بر شما رحمت آرد که به چهار کس پاداش داده شده است: پرسنده، آموزگار، شنونده و کسی که دوستدار ایشان است» از منظر نبی مکرم

اسلام - کسی نباید از دریافت این کلید زرین خجالت بکشد، چنانکه در روایات از پرسشگر ران خواسته شده است که سؤال خود را بدون شرم مطرح کنند. امام باقر % به «ابراهیم ابا اسحاق لیثی» که از پرسیدن برخی مسائل شرم می کرد، فرمود: «يَا اِبْرَاهِيمُ سَلْ وَلَا تَسْتَكْفِرْ وَلَا تَسْتَحْيِ فَإِنَّ هَذَا الْعِلْمَ لَا يَتَعَلَّمُهُ مُسْتَكْبِرٌ وَلَا مُسْتَحْيٍ؛^۲ ای ابراهیم! سؤال کن و خودداری نکن و شرم ننما. این دانش را متکبر و کسی که از سؤال حیا می کند، فرا نمی گیرد.»

در روایت دیگری امام موسی بن جعفر % به بانویی که از پرسیدن برخی مسائل خجالت می کشید، فرمود: «سَلِي وَلَا تَسْتَحْيِ؛^۳ پرس و خجالت تکش...» سپس آن بانو بدون دغدغه خاطر پرسشهایش را در محضر حضرت مطرح کرده، پاسخ

می کند که انسان باید برای فهمیدن پرسد، نه برای لجبازی و دیگران را به زحمت انداختن؛ چراکه این حرکت غیراخلاقی علاوه بر تضییع حقوق دیگران، برای خود پرسشگر نیز آثار زیانباری در پی دارد. فرق پرسش و شبهه را می توان با همین نکته تشخیص داد. **فرق شبهه و پرسش**

پرسش، در حقیقت جستجوی بشر برای شناخت است و پرسشگر با بیان سؤال خود می کوشد تا موضوع و مطلبی را بشناسد و آن را درک کند، در حالی که هدف از شبهه، ایجاد تردید و شک در دل مخاطب است و شبهه گر می کوشد تا در بنیادهای اعتقادی شخص تردید افکند یا وی را امتحان کند. در حقیقت، تفاوت شبهه و پرسش را باید در کارکرد و اهداف آن دانست. کارکرد پرسش فهم و شناخت است، در حالی که شبهه طرح می شود تا مخاطبان خود را به چالش بکشاند و آنان را به زحمت اندازد.

رسول گرامی اسلام - فرمود: «الْعِلْمُ خَزَائِنُ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤْجِرُ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُتَكَلِّمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُجِبِّ لَهُ؛^۴ علم

۱. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، نشر اسلامی قم، دوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۱.

۲. علل الشرایع، شیخ صدوق، کتابفروشی دآوری، قم، اول، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۶۰۶.

۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۹.

دریافت نمود.

از نگاه پیامبر
اکرم- اگر يك پرسشگر
بتواند منویات مبهم خود
را درست مطرح کند و به
يك عالم منظورش را
برساند، به نیمی از
دانش نائل شده است،

چنانکه فرمود
السُّ وَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ ؛
 نیکو پرسیدن، نصف دانش
 است. «یکی از مهم ترین
 ویژگی‌های امام علی
 پرسشگری زیاد ایشان
 بود. خود آن حضرت

می‌فرماید: «إِنْ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا وَ لِسَانًا سَوِيًّا»؛ همانا پروردگارم به من قلبی بسیار اندیشمند و زبانی بسیار پرسشگر عنایت کرده است.»

نه تنها

امیرمؤمنان % پرسشگری
اندیشمند بود؛ بلکه خود
پاسخگوی زبردست و
دانشوری بی نظیر محسوب
می‌شد؛ چراکه مردم را به
پرسشگری دعوت کرده
مکرراً می‌فرمود: «اَيُّهَا
النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ اَنْ
تَفْقِدُوْنِي فَلَا اَعْلَمُ
مِنْ بَطْرِقِ السَّمَاءِ
اِلَّا اَرْضُ»^۳ ای مردم! پیش از

١. كنز الفوائد، محمد بن علي كراجكي، دار الذخائر، قم، اول، ١٤١٠ ق، ج ٢، ص ١٨٩.

۲. شواهد التنزيل لقواعد
التفصيل، عبید اللہ بن عبد اللہ
حسکائی، نشر وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی، تهران، اول،
۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۴۵.

٣. نهج البلاغه (صبحي صالح) ،
شريف رضي، نشر هجرت، قم،
اول، ١٤١٤ ق، ص ٢٨٠، خطبه

آنکه مرا نیابید، آنچه
می‌خواهید از من بپرسید،
که من راه های آسمان را
بهرتر از راه های زمین
می‌شناسم.»

اساساً دين پارسيدن را
عيب نمي داند؛ بلکه به
صراحت ما را به پرسشگري
در مورد مجهولاتي که
همواره به دانست ن آن
نيازمنديم سفارش مي کند.
اميرالمؤمنين %

می‌فرمود: «سَلِّ عَمَّا لِأَبَدٍ
لَكَ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا تَعْذِرْ فِي
جَهْلِهِ؛» بپرس از چیزهایی
که ناچار بی‌دانی و در
ندانستن آن معذور
نیستی!

برکات پرسش در طول تاریخ
عالمان دینی در هر
زمانی محل رجوع مردم
بوده، پیوسته در مقام
پاسخگویی به سؤالات و
نیازهای آنان برآمده‌اند
و بخش زیادی از توسعه و
ترویج احکام دین و
پالایش آن از خرافات و
پیرایه های دروغین،
مرهون ارتباط مستقیم
مردم با عالمان بوده
است و بسیاری از آن
پرسش و پاسخها به صورت
کتاب و نوشته درآمده و
برای آیندگان به یادگار
مانده است. اصولاً
تألیفات عالمان دین

برای پاسخگویی به
نیازهای دینی، فرهنگی،
اجتماعی و سیاسی جامعه
بوده، در هر زمان

١٨٩.
٤. عيون الحكم والمواعظ،
علي بن محمد ليث ي واسطي،
دار الحديث، قم، أول، ١٣٧٦
ش، ص ٢٨٤.

متناسب با نیاز آنان نگاشته شده است. امروزه نیز به موازات پیشرفت علوم و فنون، گرایش به معنویات و اندیشه های دینی در سراسر جهان در حال گسترش است و به همین نسبت، میزان نیاز و مراجعه به عالمان دینی رو به فزونی گذاشته است. به عبارت دیگر، حفظ و تقویت رویکرد جامعه بشری به دینداری، نیازمند ارتباط گسترده و دایمی مردم با عالمان دینی است. این ارتباط غالباً در فضای پرسمان دینی ظهور می کند. در واقع پاسخگویی به پرسشهای دینی است که از یک سو جامعه دینی را پایدارتر می سازد و از سوی دیگر با دفع و رفع شبهات، راه تزلزل در باورهای مردم را مسدود می کند.

۶۰ سال تلاش برای یک پرسش

برخی سؤالات برای انسان آنقدر مهم هستند که گاهی برای یافتن پاسخ آنها لازم است ی ک عمر وقت گذاشته شود و باید در این راستا زحمتهای متحمل شد، البته قطعاً نتیجه آن (یافتن پاسخ) خیلی شیرین خواهد بود؛ شیرین تر از آن که بتوانی تصور کنی!

علامه محمدتقی جعفری تبریزی (در دوران نوجوانی و در اوایل جنگ جهانی دوم، با این پرسش وارد مدرسه طالبیه تبریز شد که: ما در این

عالم چه کاره ایم و دنیا چیست؟ جرقة نور دانش از همان آغاز تحصیلات در حوزه علمیه در وجود او روشن شد و همواره برای رسیدن به پاسخ این سؤال تلاش کرد که:

از کجا آمده ام، آمدنم

بهر چه بود؟

**به کجا می روم آخر،
نمایی وطنم**

ایشان به لطف و فضل الهی به مدارج عالی علمی رسید و قله های عظیم و نفس گیر دانش و معنویت را فتح کرد و نه تنها پاسخ خود را یافت؛ بلکه به یافتن مجهولات افراد زیادی نیز یاری رساند.

ایشان همواره می گفت:

«دوای جهالتهای بشری، سؤال است. بیایید آنچه را نمی دانیم، سؤال کنیم و تا بتوانیم، سؤالات را بی جواب نگذاریم.»^۱

سعادت یک فیلسوف فرانسوی

گاهی پرسشهای یک انسان و یافتن جواب حقیقی آنها، سرنوشت انسان را عوض می کند. «هانری کوربن» (۱۹۰۳ - ۱۹۷۸ م) فیلسوف نامدار فرانسوی و استاد

۱. اساساً مهمترین رسالت یک مسلمان، یافتن پاسخ این پرسش برای خود و مخاطبانش می باشد. حضرت علی% فرمود: «درود خدا بر کسی که بداند از کجاست و در کجاست و به کجا می رود.» الوافی، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. به نقل از مقاله

نگارنده، ماهنامه مبلغان، ش ۱۷۱ (با کمی ویرایش، ص؟؟؟)

۳. مجله افق حوزه، مورخ: ۱۳۹۱/۶/۲۱.

پاسخ سادہ فیلسوفانہ
علامہ جعفری (در عرصہ توحید، توکل و خداشناسی با تمام وجود به این فرمودہ امام حسین % باور داشت کہ : «**الْهِي مَا ذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ**؛ ای خدای من! آن کسی کہ تو را ندارد، چہ دارد؟ و آن کسی کہ تو را یافته است، چہ ندارد؟» و طبق این باور عمل می‌کرد. روزی سوار تاکسی شدہ بود . در مسیر راہ نفس عمیقی کشیدہ، از تہ دل و عمق وجودش کہ ریشہ در ایمان راستینش بہ لطف حضرت حق داشت، با خود زمزمہ کرد: ای خدای من!
رانندہ تاکسی پرسید: آقا! مگر خدا فقط خدای شماست!! ایشان در جواب فوراً دو بیت از اشعار ناب توحیدی از سعدی را

دانشگاہ سوربن پاریس با طرح پرسشہایی در محضر علامہ طباطبایی (حقیقت را یافت و از میان ادیان و مکتبہای مختلف مآذی بہ مذهب شیعہ روی آورد و سرنوشت زیبایی را برای خود رقم زد. وی بعد از ملاقات با علامہ طباطبایی) می‌گوید:
«بہ عقیدہ من، مذهب تشیع تنها مذهب است کہ رابطہ ہدایت الہی را میان خدا و خلق برای ہمیشہ نگہ داشته، پیوستہ ولایت را زندہ و پابرجا می دارد ... بہ اعتقاد من، تمامی ادیان حقیقتی را دنبال می‌نمایند؛ اما تنها مذهب تشیع است کہ بہ این حقیقت لباس دوام و استمرار پوشانیدہ و معتقد است کہ این ویژگی میان عالم انسانی و الوہی برای ہمیشہ باقی است.»

چند صباہی کہ از این فرمودہ پدر گذشت، یک روز کربن دربارہ حضرت مہدی(عج) سخنان پرشوری ایراد نمود و ضمن آن گفت: من بہ خاطر بحث دربارہ شیعہ و رسیدن بہ حقایق این مذهب، نزدیک بود پست تحقیقاتی خود را در دانشگاہ سوربن از دست بدهم . پدر، وقتی از این موضوع مطلع شد، بسیار مسرور و مشغوف گردید و گفت : نگفتم این پروفیسور کربن، مؤمن بہ تشیع شدہ است علامہ بہ یکی از شاگردان خود گفتہ بود: کربن دعاہای صحیفہ مہدیہ را می خواند و می‌گريست . «مہر تابان، محمدحسین حسینی تهرانی، انتشارات علامہ طباطبایی، مشهد، ۱۳۸۷ش، ص ۴۷ .
۲. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۹، ذعای عرفہ.

۱. ہانری کوربن بہ مرحلہ ای رسید کہ در باب امام غایب (عج) می‌گوید : «او سیمایی است کہ جمع دوازده امام و چہارہ معصوم را کامل می‌کند . او امام قائم است کہ وجود غایب او نیز حکومتہای عالم را دچار اضطراب ساختہ است.» [ہانری کربن، در باب امام دوازدهم، ترجمہ عیسی سہبیدی، مجلہ مردم‌شناسی، تیر و مرداد و شہریور ۱۳۳۷، ص ۳۱۵].
مهندس سید عبد الباقی طباطبایی - فرزند ارشد علامہ - می‌گوید: «یک روز پدر رو بہ ما نمود و با نشاط خاصی گفت این پروفیسور بہ اسلام (تشیع) مؤمن شدہ است؛ ولی شرایط اقتضا نمی‌کند تا آن را رسماً و علناً بر زبان جاری کند .

الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ جَنَى
الْجَزِيَّةِ عَنْ يَدٍ وَهُمْ
صَاغِرُونَ [۲] «اي اهل
ایمان! با کسانی از اهل
کتاب که نه به خدا، و
نه به روز جزا ایمان
دارند، و نه آنچه را
خدا و رسولش تحریم
کرده، حرام می‌شمرند، و
نه آیین حق را
می‌پذیرند، پیکار کنید
تا زمانی که با خضوع و
تسلیم، جزیه را به دست
خود بپردازند.»^۳
اولین دانشمند خارجی
که با استاد محمدتقی
جعفری (صحبت کرد،
پروفسور «روزنتال»
آلمانی بود. او درباره

خواند که:
چنان لطف او شامل هر تن
است
که هر بنده گوید خدای
من است
چنان کار هر کس به هم
ساخته
که گویا به غیری
نپرداخته

با توجه به گفته های
پیشین و اهمیت پرسش و
پاسخ در زندگی و سرنوشت
افراد، در این مجموعه
سعی کرده ایم پرسشهای
اعتقادی، تاریخی،
سیاسی، اجتماعی و ...
مطرح نزد جوانان را -
که بخشی از آنها در
جلسات حلقه‌های معرفت در
حرم حضرت معصومه^۴ مطرح
شده بود - پاسخ دهیم .
به امید اینکه بتوانیم
در تقویت باورهای دینی
گامی به سوی کمال
برداریم. انشاء الله
۱. فلسفه جزیه چیست؟ آیا
نوعی باج‌خواهی نیست؟!

جزیه، نوعی مالیات
است که باید اهل کتاب،
به رهبر مسلمانان
بپردازند و در مقابل،
حکومت اسلامی، ملزم به
حفظ جان و مال آنان
بوده، آنان می‌توانند با
امنیت خاطر و آسایش
کامل در کنار سایر
مسلمانان زندگی کنند .
خدای متعال در قرآن
می‌فرماید: **إِقَاتِلُوا
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ
لَا بِالْيَوْمِ
الْآخِرِ ۚ وَ لَا
يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ
رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ**

۲. توبه/ ۲۹.
۳. علاقه‌مندان به اطلاعات
بیشتر می‌توانند در زمینه
مسئله «جزیه» به کتاب وسائل
الشیعه، ب اب جهاد، ج ۱۵، و
سایر کتابهای فقهی، حدیثی و
یا تفسیری ذیل آیه فوق
مراجعه کنند.
۴. فرانکس روزنتال،
خاورشناس آمریکایی
آلمانی‌الصل، در سال ۱۹۱۴ م
در برلین زاده شد و پس از
طی تحصیلات ابتدایی در
زادگاهش، در سال ۱۹۳۵ م در
رشته زبانهای شرقی و کلاسیک
از دانشگاه ب رلین درجه
دکترای گرفت. در سال ۱۹۳۹ م
کتاب معروف او تحت عنوان
«تحقیقات آرام‌شناسی» برنده
نخستین مدال کنگره بین
المللی مستشرقان شد . با
شروع جنگ جهانی دوم او به
آمریکا رفت و در دانشگاه‌های
متعددی به کار تحقیق و
تدریس پرداخت و آثار زیادی
از خود به جای گذاشت. کتاب
معروف دیگر او «تاریخ
تاریخ‌نگاری در اسلام» است که
در سال ۱۹۵۲ م به چاپ رسید
و پس از آن بارها تجدید چاپ
شد . روزنتال استاد کرسی

پنج مسئلہ با ایشان صحبت کرد کہ از آن جملہ مسئلہ ربأ، مالکیت و جزیہ بود . او پس از شنیدن پاسخ پرسشہای خود، برای مراسلہ، اشتیاق بسیار زیادی پیدا کرد . او گفت : حقوقدانہای سایر کشورہا مایلند پاسخہای شما را بدانند. او درباره جزیہ از استاد پرسید : مگر جزیہ باج سبیل نیست کہ اسلام از اہل کتاب میگیرد؟!

علامہ جعفری در پاسخ بہ تاریخ البلدان استشہاد کرد و گفت : «این باج سبیل نیست؛ بلکہ جزیہ مالیاتی بودہ از طرف ہر

رابینویتز در رشتہ زبانہای سامی در دانشگاہ ییل از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۷ م، استادی کرسی استرلینگ در زبان عربی و پژوهشگر اسلام در دانشگاہ ییل از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۵ م بود . وی دانشوری پرکار و موفق بہ حساب می آید و در مطالعات متون عربی در آمریکا سهم زیادی دارد . او برای ترجمہ کتاب مقدمہ ابن خلدون بہ استانبول سفر کرد و آن را از متن اصلی - کہ امضای منتسب بہ خود ابن خلدون در آن است - مطالعہ کرد. او بہ زبانہای انگلیسی و آلمانی قلم میزد. کتابہای او بہ عربی، روسی و ترکی ترجمہ شدہ است. روزنتال در ہشتم آوریل سال ۲۰۰۳ م درگذشت . کتابہای «طنز در اسلام»، «مفہوم آزادی در اسلام پیش از قرن نوزدہم»، «ترجمہ مقدمہ ابن خلدون»، «شیرین تر از امید: گلایہ و امید در سده های میانی در اسلام»، «ترجمہ تاریخ طبری»، «متون کلاسیک در اسلام» برخی از آثار اوست

اہل کتابی کہ ہمزیستی با مسلمانہا داشتند، بہ حاکم اسلامی دادہ می شد، برای اینکہ با ہم در یک جامعہ زندگی مسالمت آمیز داشتہ باشند.» در صفحہ ۱۸۷ ہمین کتاب داستان عجیبی نقل شدہ است کہ وقتی استاد آن را برای روزنتال نقل کرد، بسیار بہت زدہ شد. داستان این است کہ : وقتی سپاہیان اسلام سوریہ را فتح می کنند و جزیہ می گیرند و بزرگان اہل کتاب (یہودیان و مسیحیان) صندوقہای پر از جواهرات را می آورند و بہ فرماندہان اسلام جزیہ می دهند، در همان موقع از طرف امپراطوری روم بہ مسلمانان اعلام جنگ می شود. ابو عبیدہ دستور می دہد بروید صندوقہای جواهرات را بہ خودشان باز پس دہید . اینہا م بہوت و متحیر می مانند و می گویند: ما با طیب نفس و رضایت آنها را دادہ ایم. ایشان می گوید: ما این جزیہ را کہ از شما گرفتیم، برای این بود کہ با شما زندگی کنیم و زندگی اجتماعی و اقتصادی شما ادارہ بشود. حال، بہ ما اعلان جنگ شدہ و تکلیف ما روشن نیست . شاید ما نتوانیم شما را ادارہ کنیم . سپس صندوقہا را برمی گردانند . حتی

۱. فتوح البلدان، ابو الحسن احمد بن یحیی بلاذری، نشر دار الہلال، بیروت، ۱۹۸۸ م، ج ۱، ص ۱۸۷.

اینها (اهل کتاب) می‌گویند : ولایت و
زمامداری شما بر ما
بهتر است از همه آنچه
تا به حال گذشته است .
وقتی این داستان را
روزنتال شنید، خیلی
علاقه پیدا کرد که این
مباحث ادامه داشته
باشد.^۱
ادامه دارد...

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی استاد
محمدتقی جعفری، کیهان
فرهنگی، ش ۱۴۷، آبان ۱۳۷۷
ش، ص ۹.